فهرست

[موضوع سخن 2](#_Toc100838671)

[مقدمه بحث 2](#_Toc100838672)

[مقدمه اول 2](#_Toc100838673)

[مقدمه دوم 3](#_Toc100838674)

[مقدمه سوم 3](#_Toc100838675)

[نظرات فقهی در نسبی بودن گناه 4](#_Toc100838676)

[نظریه اول 4](#_Toc100838677)

[نظریه دوم 5](#_Toc100838678)

[عوامل تشدید کننده گناه 5](#_Toc100838679)

[عوام مضاعف کننده عقاب گناه 7](#_Toc100838680)

[عامل اول؛ کوچک شمردن گناه 7](#_Toc100838681)

[روایات مربوط به عامل اول 7](#_Toc100838682)

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینّا العبد المؤید و الرسول المسدد المصطفی الامجد ابی القاسم محمد و علی آله الاطیبین سیمّا بقیة الله فی الارضین

ربنا علیک توکلنا و الیک أنبنا و إلیک المصیر

میلاد امام مجتبی سلام الله و سلامه علیه را محضر حضار محترم و سروران ارجمند تبریک و تهنیت عرض می‌کنم و آرزوی قبولی طاعات و عبادات در این ماه شریف دارم و از خدواند متعال می‌خواهیم ما را آماده درک فیوضات لیلة القدر و دهه آخر ماه مبارک رمضان بفرماید و به برکت دعاهای مؤمنین و توجهات و توسلات این ماه، همه مشکلات امت اسلام و ملت بزرگ ما را رفع بفرماید و خدمت گزاران به اسلام مراجع معظم و همه خادمان به اسلام و انقلاب اسلامی به ویژه مقام معظم رهبری را مورد لطف و عنایت خود قرار بدهد.

در چند روزی که به خاطری که دوستان لطف داشتند و محبت داشتند و امر کردند چند روزی در این محفل نورانی و مبارک که با رعایت قواعد و ضوابط سلامت برگزار می‌شود عرایضی را تقدیم کنم.

# موضوع سخن

موضوعی را که مد نظر قرار دادم عبارت است از عوامل و عللی که موجب تشدید گناه و تبدیل گناهان کوچک به گناهان بزرگ می‌شود موضوعی است که مورد بحث قرار خواهیم داد

# مقدمه بحث

## مقدمه اول

مقدمه اول که همه بر آن واقف هستیم این است که در مسیر سلوک الی الله و سیر به عالم قدس و لقاء خدا و تلقی و سعادت، گناه یک نقش مخرب و زیان بار واقعی دارد ما معتقدیم گناهان و زنجیره‌ای که از گناهان در آیات و روایات در شکل‌های مختلف ترسیم شده است اینها تعارف نیست بلکه اینها مبتنی بر یک واقعیت‌هایی در عالم هست همان طور که طاعات که عبارت از عبادات و اوامر خداوند باشد، عوامل تقویت کننده در مسیر لقاء الهی و صعود به مدارج معنوی و آسمانی است و یک واقعیت است و نه یک تعارف قرارداد و اعتبار همینطور در نقطه مخالف یک سلسله از موانع برای این رشد و ترقی وجود دارد که در لسان شریعت به آن‌ها گناه گفته می‌شود

در قرآن کریم بیش از ده واژه کلیدی وجود دارد که به گناه اشاره می‌کند، ذنب، معصیت، سیئه و امثال اینها و همینطور در زبان و ادبیات روایات ما، یک رشته مفصلی از واژگان و ادبیات درباره گناه وجود دارد

ما به عنوان عدلیه معتقدیم که آنچه که خداوند به آن امر کرده است و یا آنچه را که خداوند از آن نهی کرده است یک قرارداد و اعتبار نیست که صرفاً با یک امر و نهی واقعیت پیدا کند بلکه مفاسد یا مصالح واقعی وجود دارد که اوامر و نواهی خداوند به آن مفاسد و مصالح اشاره دارد آن مصالح و مفاسد هم یک سلسله امور واقعی و حقیقی است، دستور العمل زندگی سالم است مامورهای خدا آنچه که مورد امر قرار گرفته است عواملی است که ما را به سعادت می‌رساند

تمام آنچه که خداوند از آن نهی کرده است همینطور واقعیاتی است که موانع این سیر و سلوک و پر کشیدن به عالم غیب و دستیابی به سعادت است

نگاه ما این نیست که مقررات شریعت مثل مقررات وضع شده بشری باشد که با اعتبار و قراردادها احیاناً معنا پیدا بکند

معتقدیم مقررات شرع و آنچه که در فقه و اخلاق اسلامی تأکید شده است همه مبتنی بر یک سلسله واقعیات است؛ طاعات از یک طرف، و معاصی از سوی دیگر عوامل و موانع واقعی در مسیر رشد و ترقی انسان هستند

## مقدمه دوم

نکته دوم از مجموعه بزرگی از آیات و روایات استفاده می‌شود این است که گناهان و معصیت‌ها یک سلسله قواعد و قوانینی بر آن حاکم است که شناخت آن‌ها مهم است. گناه کبیره، گناه صغیره، گناه در اشکال مختلف و مصادیق مختلف، و با تقسیمات و تنویعات گوناگون دارای یک سلسله قواعد و ضوابط است

این قانون حبط و تکفیر که در قرآن در ایان متعدد به آن اشاره شده است دو قانون مهم در حوزه گناهان است

ده‌ها قاعده و قانون در زمینه گناهان وجود دارد که آشنایی آن برای تهذیب نفس و برای اصلاح اخلاق و برای اصلاح فرد و جامعه دارای اهمیت است

این هم یک مطلب که شاید بیست سی چهل قانون کلیدی در باب گناهان در روایات و آیات تصویر شده است و آشنایی با آن‌ها برای پیمودن مسیر الی الله اهمیت دارد.

## مقدمه سوم

نکته مقدماتی سوم این است که شنیده‌ایم اصطلاح گناه کبیره و گناه صغیره، کبائر و صغائر دو اصطلاح بسیار جا افتاده‌ای است که هم به شکلی در آیات قرآن ریشه دارد که ﴿ **کَبائِرَ ما تُنْهَوْنَ عَنْه[[1]](#footnote-1)**﴾ در متن قرآن آمده است و هم به طور تفصیلی‌تر در روایات متعدد ما شاهد این هستیم که عنوان کبیره و صغیره، گناه کوچک و بزرگ در روایات آمده است

در اینجا مایلم به این بحث خیلی مهم فقهی به طور کوتاه اشاره کنم و آن این که یک مطلب را فق‌ها و علمای اخلاق بر آن وفاق دارند و آن اینکه گناهان در یک رتبه نیست آلودگی، ذنب، معصیت و گناه که همه زنجیرهایی است که دست و پای ما را در صعود مدارج ترقی می‌بندد در یک رتبه نیست به اصطلاح گناه و معصیت از لحاظ رتبه و درجه و میزان عقابی که بر آن مترتب می‌شود مقول به تشکیک است امر ذو درجات است دارای مراتب است، گناهانی در سطوح پایین است، گناهانی در سطوح متوسط و یک گناهانی کبائر هستند در حد قتل نفس، یا اکبر کبائر که شرک بالله باشد.

از یک سطوح معمولی و پایین گناه شروع می‌شود و به درجات بالا می‌آید. در این تردیدی نیست هم از آیات استفاده می‌شود و هم از روایات مستفاد است هم جملگی علمای اخلاق و فقه بر سلسله مراتب گناه تأکید دارند گناه در یک درجه نیست

ثمره فقهی آن در تزاحم بین گناهان محقق می‌شود در مثال‌های مشهوری که در امر ونهی آمده است مصداق دارد و خیلی وقت‌ها در زندگی فردی و اجتماعی پیدا می‌شود که شخص ناچار است که خلافی انجام بدهد ولی یا این یا آن، آنجا این درجات معنا پیدا می‌کند. می‌گوید او را مجبور می‌کنند یا این شخص را بکشد یا یک آسیب بدنی به او بزند فرض می‌کنیم اگر یک الزامی به یکی از این دو گناه پیدا شد روشن است که باید از گناه سخت‌تر پرهیز بکند.

اینها همه نشانه این است که گناهان درجات دارد و شکی در آن نیست

اما یک نکته خیلی مهم که در اخلاق ما مطرح است و در فقه هم بزرگان در جواهر مطرح است در مفتاح الکرامه مطرح است متاخرین آن را مطرح کرده‌اند، حضرت امام و مرحوم آقای خویی، بحث این است که این کبیره و صیغیره یک امر نسبی است یا یک امر واقعی و مرزبندی جدی واقعی دارد

این سؤال این است که اگر گفتیم کبائر و صغائر مرز جدایی ندارد در اینجا هر گناهی نسبت به گناه پایین‌تر از خود گناه کبیره است نسبت به گناه بدتر و بالاتر صغیره می‌شود لذا در مقایسه این گناهان می‌توانند همزمان نسبت به یکی صغیره بشود و نسبت به دیگری کبیره بشود اینکه به کسی توهین بکنی یا او را بکشی، این توهین کردن نسبت به کشتن پایین‌تر است ولی همین توهین کردن نسبت به یک گناه کوچکتری ممکن است بگوییم بالاتر است.

# نظرات فقهی در نسبی بودن گناه

بنابراین سؤالی که وجود دارد این است که این کوچکی و بزرگی فقط نسبی است؟ یا اینکه ضمن اینکه نسبی است اما صغائر و کبائر گناهان کوچک و بزرگ مرز جدایی دارند، اینجا دو نظریه فقهی است

## نظریه اول

یک نظریه مشهور است حداقل بین متاخران مشهور است و صاحب جواهر هم می‌فرماید مشهور است این است که یک تقسیم با مرز معین بین کبائر و صغائر داریم. گناهانی مثل شرک، کشتن دیگران و برخی از اعمال منافی عفت، اینها گناهان کبیره‌اند با ملاک‌های مختلف و متعددی که در فقه اشاره شده است

برخی از گناهان هستند که اینها صغیره هستند درست است که آن‌ها سلسله مراتب بین گناهان است و هر گناهی با بالاتر از خودش کوچکتر می‌شود و با پایین از خودش که مقایسه بشود بزرگتر می‌شود.

اما یک جایی هم مرز این دو از هم جدا می‌شود این نظریه مشهور است مثل حضرت امام این را قبول دارند

## نظریه دوم

این است که این تقسیم مطلق میان گناهان به کبائر و صغائر را قبول ندارد که از بعضی از کلمات مرحوم آقای خویی اینجور برداشت می‌شود این هم یک بحث است

از این دو سه مقدمه می‌گذرم اما شواهد برای آن نظریه مشهور و نظریه اول خیلی متقن است و آن این است که غیر از آن مقایسه عامی که بین این گناهان داریم گناهان بین کبیره و صغیره به طور مطلق تقسیم می‌شود و ملاک کبائر هم ملاکهایی است که جای بحث دارد.

آنچه بعد از این مقدمات می‌خواهم بپردازم این است که وقتی به روایات و احیاناً پاره‌ای از آیات مراجعه بکنیم ملاحظه می‌کنیم یک پدیده حساس و مهم است و آن پدیده این است که همه گناهان که هر کدام جای خودش را دارد هر گناهی مثلاً ده درجه، بیست درجه، سی درجه تولید کدورت باطن می‌کند و صفای نفس را از انسان می‌گیرد یا به تبع آن مولد درجه‌ای از آثار وضعی در زندگی فردی و اجتماعی است یا درجه‌ای از عقاب اخروی از لحظه احتضار تا پایان کار که جهنم باشد تولید می‌کند.

این رشته گناهان، ۵۰ تا، صدتا گناه را که بشمارید به عنوان موانع سیر الی الله هر کدام به درجه‌ای و مقداری اثار وضعی دنیایی دارند و مقداری هم آثار مخرب اخروی و عقاب و عذاب الهی را تولید می‌کنند این حقیقتی است که همه می‌دانیم و باید با بینایی و بصیرت و دائم متذکر باشیم که هر آلوده‌ای ما را به سمت آن أثر وضعی مخرب یا آن عذاب الهی سوق می‌دهد. این مقوله روشنی است

# عوامل تشدید کننده گناه

اما یک چیز دیگری هم داریم و آن این است که هر یک از این گناهان در جای خود می‌تواند یک چیزهایی به آن بچسبد و ضمیمه بشود و پیوند بخورد و آن درجه اصلی آن را تشدید بکند گناهی که در ذات خود و حال طبیعی خود ده درجه عقاب یا أثر سوء ایجاد می‌کند با پیوست و ضمیمه شدن این عوامل، آن ده درجه، به بیست چهل، پنجاه، شصت تبدیل می‌شود به اینها عوامل تشدید کننده گناه یا عوامل مضاعف کننده عقاب گناهان گفته می‌شود

بنابراین انسان با یک چشم باید توجه کند که مبتلای به گناه نشود در محیط خانه، در محیط کار، در محیط عمومی و جامعه، صدها آسیب گناه پیرامون ما را گرفته است دائم باید مترصد باشیم که در این ورطه‌های گناه و آلودگی‌های روحی قرار نگیریم. این یک هشدار باشد

یک هشدار ثانوی هم داریم و آن این است که یک سلسله و زنجیره و رشته‌ای از عوامل هست که گناه را تشدید می‌کند اگر صغیره باشد ممکن است آن را به کبیره تبدیل بکند، گناه همینجور صغیره هست آن را به کبیره تبدیل بکند.

اگر کبیره است، عقاب آن را بالاتر ببرد این یک واقعیت است این مسئله در روایات آمده است بزرگان اخلاق هم مرحوم فیض جسته و گریخته از این مسئله صحبت کرده اند.

عوامل مشدد گناه، عواملی که گناه را از سطح طبیعی بالاتر می‌برد آثار زیانبار آن را افزایش می‌دهد و مثال واضح آن اصرار بر گناه است. اصرار بر صغیره گناه را مبدل به کبیره می‌کند، این مثال دم دستی است که در فقه هم آمده است.

مرحوم فیض در یکی از کتب اخلاقی اشاره به این مسئله دارند که چهار پنج عامل را ذکر کرده اند، بزرگان دیگری هم شاید در مهجه و در آثار دیگر بزرگان اشاره به این مسئله شده است در باب اصرار بر صغیره که در فقه ملاحظه کردید.

اما آنچه که در حد مجالی که است در این چند روز می‌خواهم به آن بپردازم این است که تا آنجا که در طول سالهای متمادی روی این پرونده کار کرده‌ام بیش از بیست عامل در روایات دیده‌ام که به آن اشاره شده است. به عنوان عاملی که عقاب انسان را در گناه افزایش می‌دهد گناه عادی را مبدل به گناه منفورتر می‌کند و گناه صغیره را به کبیره مبدل می‌کند و درجه گناه را بالاتر می‌کند هم اثار وضعی و اثار اخروی و عقاب را بیشتر می‌کند.

توهین به دیگری، این درجه گناه دارد ولی همین توهین وقتی این عوامل به آن ضمیمه بشود عقابش خیلی بیشتر می‌شود،

آزار رساندن به پدر و مادر، درجه‌ای دارد ولی با این -چیزهایی که بیست تا هست- ضمیمه بشود این گناه را افزایش می‌دهد و آدم باید به آن توجه بکند و خیلی مهم است مگر با روزه و عبادات خود نمی‌خواهیم به اوج ترقی برسیم با ترک معاصی نمی‌خواهیم موانع را بزداییم و به قله‌های بلند معرفت و معنویت برسیم باید بدانیم که گناه مانع است و عواملی ضمیمه می‌شود و مانعیت آن را افزایش می‌دهد

چه عواملی موجب می‌شود که گناه بدتر بشود؟ صغیره کبیره، بشود کبیره عقاب بالاتر از عقاب طبیعی اولیه پیدا بکند؟

پاسخ این است که شاید بیش از بیست عامل از روایات قابل استخراج باشد از دسته‌بندی‌هایی که در کتب اخلاقی آمده است شاید ۷ – ۸ تا آمده است ولی جمع بکنیم مجموعه ادله و روایات به نظرم بیش از بیست عامل می‌شود تا آنجا که من یاداشت کرده ام. این مقدمات بحث بود

# عوام مضاعف کننده عقاب گناه

## عامل اول؛ کوچک شمردن گناه

اولین عاملی که شاید به گوشتان هم خورده است و با آن اشنا هستید عبارت است از استصغار الذنب، کوچک شمردن گناه،

هر گناهی دو جور می‌تواند محقق بشود، یک بار این است که انسان به هر دلیلی فریب می‌خورد در دام گناه می‌افتد و در عینی که گناه انجام می‌دهد قلب او می‌گوید کار بدی است من قرقگاه خداوند را شکستم و حریم خدا را مورد تعرض قرار دادم این را می‌فهمد با این نگاه باز به هر دلیلی دچار گناه می‌شود و دست به مال مردم می‌برد به حقوق مردم یا هر گناه دیگری از او صادر می‌شود این درجه طبیعی گناه را دارد گناهی که به شکل عادی محقق می‌شود

اما یک حالت ضمیمه‌ای است که گاهی آن طور گناه واقع می‌شود و آن این است که گناه را کوچک می‌شمارد و می‌گوید این حرف را به این آقا زدم و او را تحقیر می‌کنم درست است که گناه است و خیلی مهم نیست دیگران هم این گناه را انجام می‌دهند، گناهان بدتر هم خیلی است

با این فریب‌های درونی و با این وسوه‌گری‌های شیطانی که انواع و اقسامی دارد گاهی گناه را انجام می‌دهد اما در حالی که او را کوچک شمرده است و [سیلی به صورت دیگری] می‌زند و می‌گوید این که چیزی نبود این قدر دیگران بد عمل می‌کنند که این چیزی نیست. اختلاس کوچکی را انجام می‌دهد می‌گوید اختلاس‌های بزرگ هست این مقابل آن چیزی نیست

اینکه در باور و نگاه انسان انجام گناه با استصغار و استحقار و استخفاف صادر شود روایات می‌گوید این گناه، گناه کبیره شد و بدتر از حالت طبیعی شد. همه کم و بیش گاهی مبتلا می‌شویم. گناهی از ما صادر می‌شود در حق الله، در حق الناس، قلمروهای مختلف، بعد توجیه می‌کنیم و می‌گوییم این خیلی مهم نیست، جاهای دیگر رعایت می‌کنیم و این را رها کن. یا خدا بزرگ است و توبه می‌کنیم و خدا می‌بخشد.

خود این نکته دقیق گناه را تشدید می‌کند اولین عامل تشدید گناه، نگاه کوچک شمردن گناه است این نگاه و انجام گناه درجه گناه را افزایش می‌دهد.

### روایات مربوط به عامل اول

در بحار اگر بخواهید مراجعه کنید کتاب ایمان و کفر، باب ۱۳۷، در وسائل الشیعه، کتاب الجهاد، ابواب جهاد النفس باب ۴۳ در مستدرک، در ذیل همین بابی که در وسائل آمده است، مستدرک الوسائلی که چاپ جامعه مدرسین است خوبی آن این است که در بالا متن وسائل است و ذیل آن مستدرک را آورده است و برای کسانی که به کتاب مراجعه می‌کنند خیلی سهل است و کسانی که به نرم‌افزار مراجعه می‌کنند راحت‌تر است.

در بخشی از این روایات در میزان الحکمه، ذیل واژه «ذنب» آمده است

مجموع این روایات شاید به چهل روایات برسد. بعضی شاید سندهای معتبری داشته باشد ولی در حد استفاضه هست یعنی اصل اینکه هشیار باش اگر گناهی انجام می‌دهی و آن را کوچک می‌شماری و انجام می‌دهی، عقاب تو بیشتر است اثار زیان بار وضعی و اخروی آن بیش از حد طبیعی آن هست.

یکی دو روایت از این بیش از چهل روایت را می‌گویم و تکمیل بحث برای جلسه بعد

در روایتی از رسول خدا حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلّم این طور نقل شده است که ﴿**إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَرَى ذَنْبَهُ كَأَنَّهُ تَحْتَ صَخْرَةٍ يَخَافُ أَنْ تَقَعَ عَلَيْهِ**[[2]](#footnote-2)﴾ می‌گوید مومن گناهی را که انجام می‌دهد نگاهش به گناه اینجوری است، گناه را مثل یک کوه بزرگ و صخره عظیم می‌بیند که در حال افتادن روی اوست وقتی زلزله‌ای بیاید و کوهی جابجا بشود چه وحشتی دارد که انسان حس بکند یک صخره بزرگ و سنگ عظیم می‌خواهد بیفتد روی انسان، می‌گوید نگاه مومن به گناه نگاه به یک صخره بزرگ که متوجه او هست را دارد.

و نقطه مقابل آن ﴿**وَ الْكَافِرَ يَرَى ذَنْبَهُ كَأَنَّهُ ذُبَابٌ مَرَّ عَلَى أَنْفِه**[[3]](#footnote-3)﴾ اما کسی که این اعتقاد راسخ را ندارد به عنوان نمونه اینجا کافر گفته شده است شاید معنای عامی داشته باشد که کفرهای عملی را هم بگیرید به قرینه مقابله با مومن، انسان غیر صالح، گناهش را مثل مگسی می‌بیند که از جلوی صورتش رد می‌شود که بنا هست احیاناً آسیبی هم به او بزند یک نیشی به او بزند.

اینقدر سهل می‌داند گناه را، این تفاوت مومن و غیر مومن است اگر کسی گناه را یک پدیده معمولی و قابل گذشت و ساده تلقی بکند این در زمره مومنان نیست، مومن حتی آنجا که دچار لغزشی می‌شود احساس شرم می‌کند احساس این می‌کند که یک خطر بزرگی متوجه او شد، برای این که گناهان کوچک هم وقتی با خدا بسنجیم آن‌ها هم خیلی بزرگ است حریم خدا را می‌شکند.

در غرر اگر ملاحظه بکنید نزدیک به ده روایت از حضرت امیرالمؤمنین نقل شده است

﴿**أَشَدُّ اَلذُّنُوبِ مَا اِسْتَخَفَّ بِهِ صَاحِبُهُ**[[4]](#footnote-4)﴾

﴿**أَعْظَمُ اَلذُّنُوبِ عِنْدَ اَللَّهِ سُبْحَانَه‏ مَا اِسْتَهَانَ بِهِ صَاحِبُهُ**﴾

﴿**أَعْظَمُ اَلذُّنُوبِ عِنْدَ اَللَّهِ سُبْحَانَه‏ ذَنْبٌ صَغُرَ عِنْدَ صَاحِبِهِ**﴾

﴿**أَعْظَمُ اَلذُّنُوبِ ذَنْبٌ اسْتَهَانَ بِهِ رَاكِبُه‏**﴾

اینها همه یک مضمون را می‌گوید، بدترین گناه این است که انجام بدهد ولی بگوید این که مهم نیست خطا می‌کند ولی می‌گوید این که مهم نیست بیش از چهل روایت می‌گوید اگر گناه را کوچک شمردی و انجام دادی، حقوق خانمت را، حقوق فرزندت را، حقوق پدر و مادرت را، حقوق نظام اسلامی را، زیر پا گذاشتی و بعد هم گفتی این مهم نیست و انسان صد تا توجیه برای خودش درست می‌کند، همین که گفتی مهم نیست عقاب آن چندبرابر می‌شود، صغیره کبیره می‌شود، کبیره اکبر می‌شود، آلودگی روحی انسان بیشتر می‌شود و کدورت باطن انسان بیشتر می‌شود

این عامل اول است و در جلسه بعدی ذیل این مسئله به چند محور اشاره می‌کنیم و به ترتیب این بیست عامل را تا حدی که مجال اجازه بدهد مرور خواهیم کرد

السلام علیک یا أبا عبدالله و علی الارواح التی حلت بفنائک

1. - سوره نساء، آیه ۳۱ [↑](#footnote-ref-1)
2. - أمالی طوسی، ص 527 [↑](#footnote-ref-2)
3. - أمالی طوسی، ص 527 [↑](#footnote-ref-3)
4. - وسائل الشیعه، ج 15، ص 312 [↑](#footnote-ref-4)